

«یوسف ثبوتی»، شاخص گذر؛ استاد از نگاه دانشجوی دیروز و همکار امروز

دکتر سعیدالله نصیری قیداری (استاد فیزیک دانشگاه زنجان)

روزنامه شرق

۱۸ مهر ۱۳۹۲

استاد «ثبوتی» قریب به ۸۰ سال پیش، یعنی در سال ۱۳۱۱ در شهر زنجان متولد شد؛ سالی که انجمن فیزیک ایران به همت استاد «حسابی» و شاگردانش تاسیس شد و تقریباً در همین سالها، دانشگاه تهران نیز به عنوان دانشگاه مادر و اولین دانشگاه کشور راه اندازی شد. تا دودهه بعد که استاد «ثبوتی» وارد دانشگاه شد، دانشگاه تهران تنها دانشگاه کشور بود، در همین سالها هم بود که دانشگاه تبریز تاسیس شد. در این مدت تمام فعالیت‌های ممکن در حوزه فیزیک کشور توسط پنج، شش استاد و به همین تعداد دستیار (که توسط همین استادان تربیت شده بودند)، اداره می‌شد. این در حالی بود که همین معدود استادان در معرض وسوسه انجام کارهای سیاسی و مدیریتی و ریاستی نیز قرار داشتند و البته اینکه این تعداد معدود از پذیرش سمت‌های مدیریتی و سیاسی امتناع کنند یا در مقابل مسایل متعدد اجتماعی (به‌رغم فهم آن)، غمض‌عین کنند و به فیزیک و آموزش و پژوهش آن پردازند، کار ساده‌ای نبود. در آن دوران از مراکز متعدد آموزشی و پژوهشی، برگزاری سمینارها، کارگاه‌های تخصصی، مسافرت‌های علمی در سطح استادان و دانشجویان، پژوهش و تولید مقاله در مرزهای دانش، ارتباطات قوی و تبادل پرسرعت ایده‌ها و یافته‌ها و اعطای مدارک دکترا و کارشناسی ارشد در داخل کشور (نظیر آنچه که امروز شاهد آن هستیم)، خبری نبود. در چنین وضعیتی، شرایط حرفه‌ای شدن فیزیکدانان و ایجاد فضای پویای پژوهشی و آموزشی و امکان رقابت با هم‌تایان خود در خارج از مرزها وجود نداشت. از تدریس مکانیک کوانتومی و نسبیتی که ۴۰ سال از ابداع آنها می‌گذشت، در دانشگاه‌های ما اثری نبود. تولید مقاله علمی-پژوهشی و حضور در مجلات و مجامع علمی بین‌المللی در مقیاس جهانی، هنوز به جامعه فیزیک نحیف و کم‌تعداد آن روز، راه باز نکرده بود. تحصیلات تکمیلی برای دانشجویان ایرانی در داخل کشور در افق دوردست آرزوها قرار داشت. به‌طور خلاصه هنوز فضای «نقل فیزیک»، جای خود را به پژوهش نظری و آزمایشگاهی و آموزش یافته‌های جدید نداده بود. با همه این کاستی‌ها در این بازه زمانی و به دست همین استادان معدود فیزیک کشور که مفهوم نوین فیزیک را آموخته بودند، سنگ‌بنای خیزش فیزیک نیوتنی در مقابل طبیعیات ارسطویی رایج گذاشته شد. این فیزیک جدید که در دنیای پیشرفته ایجاد شده بود، به‌سرعت در حال گسترش به جامعه فیزیک و سپس به لایه‌های زیرین اجتماعی در این کشورها بود. در این برهه از تحول فیزیک کشور، استاد «ثبوتی» با اخذ درجه دکترا از دانشگاه شیکاگو به ایران برگشت. او با فعالیت‌های متنوع و با روحیه خاص خود که اجمالاً اشاره خواهم کرد، شاخص دوران گذر «فیزیک نقلی» به «فیزیک جهانی» در کشور شد. با استاد «ثبوتی»

فیزیک کوآنتومی و مکانیک نسبیتی به دانشگاه‌های ایران راه یافت. با حفظ ارتباطات قوی بین‌المللی، به‌عنوان محقق مدعو و محقق ارشد دانشگاه‌های شیکاگو، نورث ایسترن، آمستردام و سایر مراکز علمی انتخاب شد و در نهایت نیز این استاد گرانقدر، افتخارات متعددی از قبیل مدال پژوهشی وزارت علوم در سال ۱۳۵۷، جایزه کتاب سال ۱۳۷۴، جایزه آکادمی علوم جهان سوم در سال ۲۰۰۰ میلادی، جایزه خوارزمی در سال ۱۳۷۹، چهره ماندگار در سال ۱۳۸۰، جایزه بانک توسعه کشورهای اسلامی و... را دریافت کرده است. انجمن فیزیک ایران نیز در سال ۱۳۸۱ با نامگذاری کنفرانس فیزیک، به‌نام کنفرانس «ثبوتی»، از این استاد جلیل‌القدر، تجلیل شایسته‌ای به‌عمل آورد. ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری استاد «ثبوتی» همواره برای همکاران و شاگردانش قابل توجه و تأمل بوده و برخی از این خصوصیات و خصایل ایشان، زبازد جامعه فیزیک کشور است. به‌عنوان یکی از شاگردان استاد «ثبوتی» که از سال ۱۳۵۶ یعنی ۳۵ سال پیش، افتخار شاگردی و سپس همکاری با ایشان را داشته‌ام، تلاش کرده‌ام در وجوه پژوهشی، آموزشی، اجرایی، هنر معلمی و رفتار اجتماعی، شاگرد خوبی برای مکتب «ثبوتی» باشم. در حد برداشت خودم (نه همه واقعیت ایشان) مواردی را ذکر می‌کنم. البته مطالب و خاطرات دوران دانشجویی و بعد از آن، بسیار است ولی سعی می‌کنم در این موارد از گفته‌ها و نوشته‌های استاد استفاده کنم. اعتماد به نفس، استقامت بر تصمیم و استمرار بر تلاش از وجوه بارز رفتار استاد «ثبوتی» است.

«... همه این نشانه‌های امیدبخش و نیکو را به فال نیک می‌گیرم و بسیار خوشحالم از اینکه بدنه حاضر فیزیک ایران را برنا و پرتوان می‌بینم. نگرانی کوچکی هم دارم که امیدوارم درست نباشد. نظر به اینکه در ارزیابی داشته‌های خود، یک قوم نهیلیست هستیم و مرغ همسایه را غاز می‌بینیم، ممکن است گفته شود که هنوز از دنیا خیلی عقبیم...»

«... من با این گروه هیچ‌انگار هم‌صدا نبوده‌ام و نخواهم بود. با آن‌هایی که فکر می‌کنند دنیا با تولد آنها پیدا شده و پس از آن‌ها نیز به تباهی خواهد رفت و پیش از آن‌ها هیچ‌کس، سنگی روی سنگ نگذاشته و نسل بعد از آن‌ها نیز لاابالی است و کرده‌های آن‌ها را به باد خواهند داد، میانه‌ای ندارم...»

«... نیم‌سده دیگر لازم بود که گروهی ولو انگشت‌شمار در میان ما پیدا شود که به رمز و راز دانش‌ها و فناوری نو پی‌ببرند و در مقام رویارویی با آفرینندگان آن‌ها، خود را برابر بدانند و هیبت و هیمنه خدایی در آن‌ها نبینند. خود را صاحب‌نظر بدانند و حتی سهمی ولو اندک در گسترش دانش و فناوری جهانی داشته باشند. اگر داور به انصاف باشد، راهی جز این نمی‌توانسته پیموده شده باشد. تکان‌دادن گرد و خاک کهنگی از جامعه‌ای که سده‌های دراز در خمودی و ایستایی بود، کار آسانی نبوده است. در جامعه ما و همانند هایمان تنش‌های حاصل از نوحواهی و نوجوانی هنوز هم که هنوز است با قوت و قدرت خود را نشان می‌دهد. چرا انتظار معجزه داشته باشیم؟ و چرا بیهوده فکر کنیم که یک‌شبه می‌توان پوست انداخت و ره صدساله می‌توان رفت؟ کدام یک از همسایگان دور و نزدیک‌مان که شرایط تاریخی و فرهنگی همانندی داشته‌اند، توانسته‌اند بهتر از ما عمل کنند و پیش از ما قدم بردارند؟ چرا فکر می‌کنیم که اندیشمندان، فناوران، سیاستگذاران و

سیاست‌بازان و عامه مردم ما، همه و همیشه کوتاه آمده‌اند و نادرست رفته‌اند؟ چرا فکر نکنیم که آنچه در طلبش هستیم هزینه و همتی بیشتر از آنچه به خرج داده‌ایم، می‌طلبد.» (ثبوتی‌نامه، ص ۱۳-۱۰)

«... هوش و حواس پژوهنده باید آنچنان متمرکز به موضوع پژوهشی باشد که مساله خود را شب‌ها به خواب ببیند. ...»

«... فیزیکدان اگر روزی دو مطلب جدید در فیزیک نخوانده باشد، نباید آن روز، خودش را فیزیکدان به حساب بیاورد و در کار فیزیکدانان هم نباید دخالت کند. ...»

«... فیزیکدان باید مثل مومنی که عامل به شعائر مذهبی است، به‌طور منظم به وظایفش در آموختن فیزیک عمل کند. ...»

«... ما از نظر هوش و استعداد، افراد متوسطی هستیم و بیشتر از نبوغ و هوش باید به تلاش مستمر خودمان متکی باشیم...» (ثبوتی‌نامه، ص ۷۴-۷۲)

«... وقتی دانشجوی این همه اسم «هایزنبرگ»، «شرودینگر»، «اینشتین»، «نیوتن»، «کپلر» و... می‌شنود، خود را می‌بازد و شاید تصور کند «نقی» و «نقی» نمی‌توانند کار علمی بدیع در سطح جهان انجام دهند. در دهه‌های اخیر جامعه فیزیک کشور نشان داد که این تصور درست نیست. ...»

صداقت، بی‌ریایی، جدیت و چهره مصمم، ساده‌گیری، پرهیز از پیچیده فکرکردن، دلسوزی واقعی، دوست داشتن طبیعت، بی‌تکلفی، روحیه کارجمعی، نوگرایی، صرفه‌جویی در وقت، وقت‌شناسی، پرهیز از کارهای حاشیه‌ای، اعتماد و علاقه به جوانان، امیدواربودن و امیددادن، اهمیت‌دادن به نظر دیگران به‌خصوص در حوزه علمی، تلاش برای ایجاد صمیمیت در جمع همکاران و پرهیز از اختلاف‌افکنی، حضور به‌موقع در محل کار، دقت در راهنمایی دانشجویان، تشویق به ارائه به‌موقع نتایج کارهای پژوهشی در مجلات و کنفرانس‌های داخل و خارج از کشور، اهمیت‌دادن به آموزش فیزیک، تلاش برای افزایش امکانات رفاهی و آزمایشگاهی برای دانشجویان و استادان، کمک به حل مشکلات جامعه، مردم‌دوستی، خیرخواهی و مشارکت در کارهای خیر و... برخی دیگر از خصایل نیکو و منویات ارزشمند استاد «ثبوتی» است که به‌دلیل اطلاع نوشتار، (به رغم خطرات شیرین و گفتارهای بسیار جالب) به مصادیق و مستندات آن نمی‌پردازم و علاقه‌مندان را برای آشنایی با برخی از این خصایل به کتاب «ثبوتی‌نامه» که به همت انجمن فیزیک ایران در سال ۱۳۸۱ تدوین شده است، ارجاع می‌دهم. به شاگردی این دانشمند فرزانه همواره افتخار می‌کنم و وجود نازنین و دوست‌داشتنی او را مایه عشق به حرفه‌ام و انگیزه زندگی علمی‌ام می‌دانم و خداوند احسن‌الخالقین را به پاس این نعمتش شاکرم.